

### تحلیل مؤلفه‌ای رفق از دیدگاه لغت‌شناسان، اندیشمندان و منابع اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱

امیرمهدی زاده<sup>۱</sup>  
محمد صادق شجاعی<sup>۲</sup>  
عباس پسندیده<sup>۳</sup>

#### چکیده

پژوهش کنونی با هدف بررسی مفهوم رفق از دیدگاه لغت‌شناسان، اندیشمندان و منابع اسلامی انجام شده است. روش پژوهش به لحاظ جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش ترکیبی فقه اللغوی، همراه فقه القرآنی و فقه الحدیثی استفاده گردیده است؛ بدین صورت که برای استخراج تعریف دقیق رفق، مراحل مفهوم‌شناسی: (۱) واژه پژوهی به معنای جمع‌آوری، بررسی و تحلیل دیدگاه لغت‌شناسان و اندیشمندان اسلامی؛ (۲) مفهوم پژوهی دینی به معنای بررسی متون دینی و استخراج ویژگی‌های مؤثر در تعریف؛ (۳) استخراج تعریف مؤلفه‌ای به معنای مشخص کردن مؤلفه‌های اساسی تعریف و مناسبات آن‌ها طی گردیدند. درباره یافته‌ها می‌توان گفت که لغت‌دانان رفق را نر می و لطافت در امور می‌دانند که سبب تسهیل و آسان‌گیری می‌گردد و حسن انجام عمل را در پی دارد. تعریف اندیشمندان شامل محورهای حالت روانی (مانند لین)، موضوع رفق (همه اقوال و افعال) و نتیجه رفق (مانند تأنی) می‌شود. در تعریف اسلامی، رفق به محورهای «لین و نرم‌خویی» به عنوان ویژگی روانی، «تسهیل و آسان‌گیری» و «رسیدن به مطلوب» به عنوان کارکرد و «امور اجتماعی و فردی» به عنوان موضوع و نیز «کرامت نفس» و «صلاح و مصلحت» پرداخته شد. نتیجه، آن که رفق، ترکیبی از کرامت، انعطاف‌پذیری و آسان‌گیری در امور است. سایر

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی قرآنی جامعه المصطفی‌العالمیه (نویسنده مسئول) (amirmahdizeh@yahoo.com).

۲. استادیار گروه روان‌شناسی جامعه المصطفی‌العالمیه (m\_s\_shojaee@gmail.com).

۳. استادیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه قرآن و حدیث.

تعبیرها در لغت، اصطلاح و متون دینی زیر مجموعه این سه هستند. لذا به علاقه‌مندان این حوزه توصیه می‌گردد تا از این تعریف برای فعالیت‌های پژوهشی، آموزشی و درمانی بهره‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: رفق، مفهوم‌شناسی، دین‌پژوهی، انعطاف‌پذیری.

## ۱. مقدمه

رفق، از واژه‌هایی است که در حوزه واژه‌های اسلامی جزء اساسی‌ترین مفاهیم روان‌شناختی، اساس حکمت و ملاک حسن خلق و فضایل اخلاقی است؛<sup>۱</sup> به گونه‌ای که در روایتی از حضرت محمد ﷺ آمده است که اگر قرار بر این بود تا رفق به شکل انسان درآید، زیباترین انسان خلق می‌شد.<sup>۲</sup> رفق از مفاهیمی است که قابلیت دارد در رشته‌هایی نظیر اخلاق، علوم تربیتی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی مورد بررسی و بهره‌برداری قرار بگیرد. این مسئله خود نمایان‌گر اهمیت واژه رفق است.

از نیازهای اساسی پژوهش‌های دینی، مفهوم‌شناسی موضوعات دینی است. مفاهیم پیکره علم و سنگ بنای نظریه‌های علمی را تشکیل می‌دهند. به همین دلیل، مفهوم‌شناسی را می‌توان کارخانه مصالح و پیکربندی هر علمی دانست.<sup>۳</sup> خلط بین مفاهیم سبب می‌گردد تا در معناشناسی رفق و به تبع آن، در حوزه کاربرد رفق، نظیرسنجش رفق، تدوین بسته‌های درمانی رفق مدار در حوزه فردی و خانوادگی و همچنین در تدوین بسته‌های آموزش رفق به کودکان موفقیت‌چندانی به دست نیاوریم. بنابراین، در حوزه تشخیص، سنجش و نیز درمان، نیازمند ارائه تعریف و تبیین دقیق و مناسب برای رفق هستیم. در غیر این صورت، رفق را - که از تعریف و میزان تطابق آن با اسلام بی‌اطلاعیم - چگونه می‌توان شناسایی و سپس به طور مؤثر به کار گرفت؟ همچنین، انجام این پژوهش به عنوان زمینه و آغازی برای بهره‌برداری از رفق در مسیر تقویت و تثبیت روان‌شناسی اسلامی کمک شایانی می‌نماید و نیز برای برنامه‌ریزان و مهندسان فرهنگی کشور در حوزه رشد فردی و خانوادگی و همچنین مشاوران و درمانگران سودمند خواهد بود تا بر اساس تعریف صحیح و قابل دفاع، برای ایجاد عینی رفق برای سبک زندگی اسلامی گامی مؤثر بردارند. افرون بر این‌ها، در نتایج تحقیقاتی که اولسون و اولسون (۱۳۹۵) برای شناسایی

۱. شرح اصول الکافی، ج ۸، ص ۳۳۲.

۲. اصول الکافی، ج ۲، ص ۱۲۰.

۳. مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، ص ۲۷.

مشکلات رایج در روابط بین زوج‌ها انجام رسانده‌اند، انعطاف‌پذیری<sup>۱</sup> - که نزدیک‌ترین اصطلاح روان‌شناختی به رفق است<sup>۲</sup> - به عنوان دومین موضوع و یکی از ده موضوع اول به وجودآورنده مشکل در حوزه‌های ارتباطی همسران شناخته شده است؛ همان‌طور که در تحقیقی دیگر از این پژوهشگران - که در بین ۲۱۵۵۱ زوج انجام داده‌اند - انعطاف‌پذیری همسران دومین ویژگی زوج‌های خرسند پس از گفتگواست. انعطاف‌پذیری در روان‌شناسی شخصیت نیز ردپای قوی دارد؛ به طوری که از عوامل اصلی شخصیت به شمار می‌آید. می‌توان رهگیری این سازه را در پرسش‌نامه شانزده عاملی شخصیت - که توسط ریموند کتل و همکارانش (۱۹۴۹) ساخته شده است - پیدا نمود. عامل A+ (گرم بودن)، I+ (حساسیت هیجانی) و Q1+ (بازبودن نسبت به تغییر) در پرسش‌نامه وی به انعطاف‌پذیری می‌پردازد. همچنین در پرسش‌نامه پنج عاملی شخصیت نئو<sup>۳</sup>، در عامل انعطاف‌پذیری و گشودگی (O<sup>5</sup>) و مقبولیت (A) به انعطاف‌پذیری اشاره شده است.

بدین لحاظ، مطالعه و پژوهش در این باره، مستلزم ارائه معنایی دقیقی است که از رفق در نظر داریم. در این پژوهش تلاش می‌شود تا به این پرسش‌ها پاسخ گفته شود:

- ۱) دیدگاه لغت‌شناسان و اندیشمندان در باره رفق چیست؛
- ۲) مفهوم دینی رفق از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؛
- ۳) مؤلفه‌های اساسی تعریف و مناسبات‌شان چیست.

#### ۱-۱. پیشینه

در خصوص رفق تحقیقات گسترده‌ای انجام نشده است و معمولاً رفق، مدارا و لین در پژوهش‌ها یک مفهوم در نظر گرفته شده‌اند و مفاهیم درباره آن‌ها با هم خلط شده‌اند. دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی رفق و مدارا و حدود آن در قرآن و حدیث» نوشته طاهره نظام آبادی، (۱۳۸۸) و «رفق و مدارا از دیدگاه قرآن و حدیث»، نوشته محمود هاشمی (۱۳۷۷) از جمله آن است. نظام آبادی محدوده رفق را بررسی کرده است و پایان‌نامه

1. Flexibility

۲. «ساختار شخصیت از دیدگاه اسلام در چارچوب رویکرد صفت»، ص ۲۱۷.

3. NEO

۴. روان‌شناسی بالینی، ص ۱۴۴.

5. Openness

6. Agreeableness

هاشمی، به فهرست کردن احادیث رفق و بیان اهمیت آن به صورت کلی پرداخته است. دو اثر دیگر است که رفق را به طور جداگانه و مستقل مورد بررسی قرار داده‌اند. اولی کتاب مختصری با عنوان الرفق فی المنظور الاسلامی، نوشته ابوزلفی خزاعی (۱۴۲۵) است. در این کتاب، با استناد به آیات قرآنی و سخنان اهل بیت علیهم‌السلام، علاوه بر تبیین فواید و ثمرات اخروی ملاطفت و لزوم رعایت حقوق دیگران و برخورد محبت‌آمیز، به معرفی فلسفه و آفات مدارا نیز پرداخته است. دومین اثر در این زمینه، عمادی (۱۳۹۳) در پایان نامه ارشد خود به تبیین معیارها و شاخص‌های رفتاری رفق در روابط همسران از منظر قرآن و حدیث پرداخته است. وی ذیل پایان‌نامه خود به تعریف رفق با تفصیل بیشتر پرداخته است

تعداد اندکی مقاله نیز درباره رفق نوشته شده است. مقاله علی توحیدی نژاد - که در آن به «مدارا و نقش آن در تحکیم خانواده» می‌پردازد - به مفهوم‌شناسی رفق هم توجه دارد. در مقاله اسماعیل ملکوتی خواه - که به «مؤلفه‌های الگوی مدارا با همسر از دیدگاه اسلام» می‌پردازد - متعرض مفهوم رفق گردیده است.

با این وجود، پژوهش‌های انجام شده از چند جهت دچار نقص هستند: اول، آن که در بسیاری از پژوهش‌ها خلط مفاهیم صورت گرفته است؛ دوم، آن که پژوهش‌هایی که حتی به صورت مستقل به رفق پرداخته‌اند، به بررسی مفهوم لغوی آن بسنده کرده‌اند و همان را به عنوان تعریف رفق پذیرفته‌اند؛ سوم، آن که هیچ یک از پژوهش‌ها نه به مفهوم پژوهی از دیدگاه اندیشمندان و نه مفهوم پژوهی دینی نپرداخته‌اند؛ چه برسد به این که بین تعریف‌ها به تعریف از دیدگاه دین، لغت و اندیشمندان اشاره و آن‌ها را مقایسه نمایند و در نهایت به جمع‌بندی و تعریف واحد و یکپارچه دست یابند. بنابراین، کاری که این مقاله عهده‌دار آن است، برای نخستین بار در حال انجام است تا بتواند از این رهگذر نقص‌های گفته شده را از پژوهش‌های پیشین برطرف نماید.

## ۲-۱. روش

در این مقاله از روش حوزه‌های معنایی ترکیبی استفاده می‌شود؛ به این معنا که رویکرد فقه‌الغوی، همراه فقه‌القرآنی و فقه‌الحدیثی برای معناشناسی پرداخته شد؛ بدین صورت که مراحل در ابتدا واژه پژوهی به معنای جمع‌آوری، بررسی و تحلیل دیدگاه لغت‌شناسان و اندیشمندان اسلامی صورت می‌پذیرد. سپس ویژگی‌های مفهوم دینی به معنای بررسی متون دینی و استخراج ویژگی‌های مؤثر در تعریف انجام می‌گردد و در ادامه، تحلیل مؤلفه‌ای رفق به معنای مشخص کردن مؤلفه‌های اساسی تعریف منابع دینی و مناسبات شان مبادرت می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. «روش مفهوم‌شناسی موضوعات اخلاقی و کاربری آن در مفهوم حیا»، ص ۷۰.

## ۲. یافته‌ها

آنچه به عنوان یافته در پژوهش کنونی گزارش می‌گردد، در چند بخش تعریف‌های لغت‌شناسان، اندیشمندان و منابع اسلامی ارائه می‌شود.

## ۱-۲. یافته نخست

## الف) لغت‌شناسان

از مباحث مهم در فهم لغت، یافتن گوهر معناست. هر واژه‌ای استعملات مختلفی دارد که گاه به هم نزدیک و گاه از هم دورند؛ ولی معمولاً به یک یا دو معنای اصلی بازمی‌گردند. مقصود از روح و گوهر معنا، مفهوم اولی و بسیطی است که به مرور به شکل‌های گوناگون درآمده و در قالب مصادیق متعدد عرضه شده است.<sup>۱</sup> در این یافته در تلاش شد که کاربردهای متفاوت واژه جمع‌آوری و اشتراک همه آن‌ها را مشخص نماییم تا از این رهگذر به مؤلفه‌های اصلی و گوهر معنا پس از تحلیل دیدگاه‌های لغت‌شناسان به صورت فردی و جمعی دست یابیم. بر این اساس، جدول زیر بیان‌گر دیدگاه لغت‌شناسان از تعریف رفق است.

ردیف	لغت‌شناس	تعریف لغوی	ویژگی‌ها
۱	خلیل و ازهری	الرفق: لین الجانب و لطافة الفعل و صاحبه رفقاً (کتاب العین، ج ۵، ص ۱۴۹؛ تهذیب اللغة، ج ۹، ص ۱۰۲)	حالت روان‌شناختی: لین الجانب (نرم‌خویی) اثر: لطافة الفعل
۲	ابن منظور و صحاح	الرَّفْقُ: ضِدُّ العُنْفِ. رَفَقَ بِالْأَمْرِ لَطْفًا (لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۱۸).	حالت روان‌شناختی: لطف متضاد: عنف
۳	ابن فارس	(رَفَقَ) الرِّاءُ وَالْفَاءُ وَالْقَافُ أَضْلُّ وَاحِدٌ يَدُلُّ عَلَى مُوَافَقَةٍ وَمُقَارَبَةٍ بِإِعْنَفٍ. فَالرَّفْقُ: خِلَافُ العُنْفِ؛ هَذَا هُوَ الْأَضْلُّ ثُمَّ يُسْتَقْتَضَى مِنْهُ كُلُّ شَيْءٍ يَدْعُو إِلَى رَاحَةٍ وَمُوَافَقَةٍ (معجم مقایس اللغة، ج ۲، ص ۴۱۸).	متضاد: عنف حالت روان‌شناختی: موافقت اثر: مقاربت و همراهی

۱. منطق فهم حدیث، ص ۸۸.

ردیف	لغت شناس	تعریف لغوی	ویژگی‌ها
۴	ابن اثیر	الرَّفْقُ: لِينُ الْجَانِبِ، وَهُوَ خِلَافُ الْعُنْفِ (النهاية، ج ۲، ص ۲۴۶).	ویژگی روان شناختی: لین الجانب (نرم خویی) متضاد: عنف
۵	طریحی	الرَّفْقُ: ضد الخرق وهو أن يحسن الرجل العمل (مجمع البحرين، ج ۵، ص ۱۷۱)	متضاد: خرق اثر: حسن انجام عمل
		الرَّفْقُ: لِين الْجَانِبِ وَهُوَ خِلَافُ الْعُنْفِ (همان).	حالت روان شناختی: لین الجانب متضاد: عنف
۶	ابن درید	الرَّفْقُ، ضد الخُرق، وَهُوَ اللطف وَحُسْن الصَّنِيعِ إِلَيْهِ (جمهرة اللغة، ج ۲، ص ۷۸۴).	حالت روان شناختی: اللطف متضاد: خرق اثر: حسن الصنيع
۷	زبیدی	الرَّفْقُ: اللُّطْفُ وَهُوَ ضِدُّ الْعُنْفِ (تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۳، ص ۱۶۷)	حالت روان شناختی: اللطف متضاد: عنف
۸	فیومی	رَفَقْتُ بِهِ مِنْ بَابِ قَتَلَ (رَفَقًا) فَأَنَا رَفِيقٌ خِلَافُ الْعُنْفِ وَ (الرَّفِيقُ) أَيْضاً ضِدُّ الْأَخْرَقِ مَا أَخُوذُ مِنْ ذَلِكَ (رَفَقْتُ) فِي السَّيْرِ أَيْ قَصَدْتُ (المصباح المنير، ج ۱، ص ۲۳۳)	متضاد: خرق و عنف اثر: قصد
۹	عسکری	أن الرفق هو اليسر في الأمور والسهولة في التوصل إليها وخلافه العنف وهو التشديد في التوصل إلى المطلوب (الفروق في اللغة، ج ۱، ص ۲۵۹)	کارکرد: آسان گیری در امور متضاد: عنف

جدول شماره ۱: ویژگی‌شناسی تعریف‌های لغوی

در تحلیل تعریف‌های لغوی یادشده، می‌توان محورها و عناصر اصلی موجود در آن‌ها را چنین جمع‌بندی کرد:

اول. نکات مهم در دست‌یابی به معنای لغوی رفق در واژه‌های زیر - که توسط لغت‌دانان

به کار گرفته شده است - خلاصه می‌گردند: لین و نرمی، تسهیل و آسان‌گیری، همراهی و موافقت، حسن انجام عمل و لطافت فعل، ضد عنف و خرق.

دوم. بیشترین معنایی که در تعاریف ذکر شده است، «لین» و «لین الجانب» و معانی مشابه آن است. خلیل فراهیدی، ابن منظور و ازهری رفق را به «لین الجانب و لطافه الفعل» معنا کرده‌اند.<sup>۱</sup> طریحی و ابن اثیر فقط «لین الجانب» را در تعریف خود ذکر کرده‌اند.<sup>۲</sup> علاوه بر واژه لین، برخی واژه «لطف» و «لطافت» را در تعریف رفق آورده و در تعریف از این واژه استفاده کرده‌اند؛ ابن منظور می‌نویسد:

رَفَقَ بِالْأَمْرِ لُطْفًا.

واژه «لین» در لسان مترجمان، به «نرمی» ترجمه می‌شود؛ اما باید تأمل کرد که مقصود از این نرمی چیست؟ به ویژه آن که، واژه‌های دیگری نیز هستند که به «نرمی» ترجمه می‌شود: مثل رحمت، رخاء، هدنه، لین، رقت و رقیق. لذا باید دید که آیا بین آن‌ها و لین و رفق تفاوتی نیست؟ طریحی لین الجانب را به معنای «سهل القرب» گرفته است؛<sup>۳</sup> یعنی شخصیت او به گونه‌ای است که به آسانی می‌توان به او نزدیک شد و ارتباط برقرار کرد.

سوم. هریک از واژگانی که در بیان معنای رفق ذکر شده‌اند، به بعد خاصی از رفق توجه نموده‌اند. «لطف و لین الجانب» حالت روان‌شناختی رفق است و وجود این ویژگی محوریت دارد. «تسهیل و آسان‌گیری» کارکرد رفق به شمار می‌آید؛ همان طور که «حسن انجام عمل» و «همراهی»، از آثار و پیامدهای رفق‌اند.

چهارم. بسیاری لغت‌شناسان، مفهوم متضاد رفق را «عنف» و «خرق» قرار داده‌اند.<sup>۴</sup> عنف در لغت عبارت است از: «الشَّدةُ والمَشَقَّةُ»،<sup>۵</sup> «التَّشْدِيدُ فِي التَّوَصُّلِ إِلَى الْمَطْلُوبِ، المعاملة بشدَّة و خشونة». <sup>۶</sup> در عنف، یک خصوصیت محوری وجود دارد و آن عبارت است از «شدید و خشن بودن».

خرق در اصل، به معنای پاره کردن چیزی است و وقتی خرق، صفت فعل قرار می‌گیرد؛ گویا بدان معنا است که آن کار، پاره‌پاره شده است:

۱. العین، ج ۵، ص ۱۴۹؛ لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۱۸؛ النهایة، ج ۲، ص ۲۴۶.

۲. النهایة، ج ۲، ص ۲۴۶، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۷۱.

۳. مجمع البحرین، ج ۶، ص ۳۱۲.

۴. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۱۸؛ التحقيق، ج ۴، ص ۱۸۵؛ النهایة، ج ۲، ص ۲۴۶؛ مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۷۱.

۵. النهایة، ج ۳، ص ۳۰۹؛ لسان العرب، ج ۹، ص ۲۵۷؛ مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۰۴.

۶. التحقيق، ج ۴، ص ۱۸۵.

الخرق مَزَقَ الشَّيْءَ ... والخرق نقيض الرفق، كأنَّ الذي يفعلهُ مُتَخَرِّقٌ.<sup>۱</sup>

تجاوز از حد، نیز از همین جا نشأت می‌گیرد. به کاری که خلاف معمول و عادت انجام شود، «خرق عادت» می‌گویند.<sup>۲</sup> پس در معنای خرق، خصوصیت محوری که وجود دارد، «به تعب و مشقت افتادن در انجام کار» است

پنجم. بعد از بررسی و تحلیل تعریف‌های لغت‌دانان می‌توان دریافت که رفق، نرمی و لطافت در امور است که سبب تسهیل و آسان‌گیری می‌گردد و حسن انجام عمل را در پی دارد.

ب) اندیشمندان اسلامی

پس از فهم تعریف‌های لغوی، نوبت به تعریف‌های اصطلاحی می‌رسد. آگاهی از دیدگاه دانشمندان و صاحب‌نظران، پیشینه خوبی در اختیار ما قرار می‌دهد و ما را از یافته‌های آنان مطلع می‌کند. در این کار نیز همان مراحل چندگانه در لغت‌شناسی تکرار می‌شود.

ردیف	متخصص	تعریف ارائه شده	ویژگی‌های تعریف
۱	علامه مجلسی: بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۵۶	الرفق یجیء بمعنی التسهیل و هو ضد العنف والتشدید والتعصیب و بمعنی الإرفاق و هو إعطاء ما یرتفق به و بمعنی التأنی وضد العجله؛ آسان‌گیری، ارفاق و کمک، تأنی؛ الرفق هولین الجانب و الرأفة و ترک العنف و الغلظة فی الأفعال و الأقوال علی الخلق فی جمیع الأحوال سواء صدر عنهم بالنسبة إلیه خلاف الآداب أولم یصدر؛ رفق عبارت است از نرم‌خویی و مهربانی و ترک خشونت و درشتی در افعال و اقوال بر مردم، چه از سوی آنان نسبت به وی، خلاف آدابی سرزده باشد و چه زده باشد و چه سرزده باشد.	پیامد: آسان‌گیری، ارفاق و کمک، تأنی و ویژگی روان‌شناختی: نرم‌خویی مهربانی ثمره: ترک خشونت و درشتی وضعیت: در تمام حالات (چه از سوی آنان نسبت به وی، خلاف آدابی سرزده باشد و چه سرزده باشد) متضاد: عنف موضوع: افعال و اقوال
۲	غزالی: احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۱۸۴	اعلم ان الرفق محمود و یضاده العنف و العنف نتیجة الغضب و الفظاظة و الرفق و	ویژگی روان‌شناختی:

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۱۷۲.

۲. شمس العلوم، ج ۳، ص ۱۷۷۱.



ردیف	متخصص	تعریف ارائه شده	ویژگی‌های تعریف
		اللين نتيجة حسن الخلق والسلامة؛ بدان که رفق پسندیده است و ضد آن عنف و شدت است. عنف نتیجه غضب و سرسختی است و رفق و نرمی نتیجه حسن خلق و سلامت خلق است.	نرم خویی متضاد: عنف جنس رفق: خلق نتیجه: حسن خلق
۳	ملا مهدی نراقی: جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۰۲	العنف وهو الغلظة والفظاظة في الاقوال او الحركات ايضا وهو من نتایج الغضب و ضده الرفق ای اللين فيهما وهو من نتایج الحلم.	متضاد: عنف ویژگی روان شناختی: نرم خویی نتیجه: حلم
۴	ملا احمد نراقی: معراج السعاده، ص ۲۴۹	ضد غلظت و درشتی در گفتار و رفتار، نرمی و همواری و رفق در اعمال و اقوال است.	متضاد: عنف ویژگی روان شناختی: نرم خویی موضوع: قول و فعل
۵	ابن حمید: نضرة النعم، ج ۶، ص ۲۱۵۷؛ فتح الباری، ج ۱۰، ص ۴۴۹؛ دلیـل الفاالحین، ج ۳، ص ۸۹	هولین الجانب بالقول والفعل والاخذ بالاسهل وهو ضد العنف؛ رفق، نرم خویی در گفتار و کردار و اتخاذ صورت آسان تر در چیزی است. و ضد عنف است. العنف، هو عدم الرفق و اذا كان قد عرّف الرفق بانه حسن الانقياد لما يؤدي الى الجميل فان العنف يمكن تعريفه بانه سوء الانقياد الذي يؤدي الى القبيح؛ عنف عبارت است از عدم رفق. و وقتی رفق عبارت است از پذیرش و انعطافی که منجر به کار زیبا می شود، متقابلاً عنف، عدم انقیاد و پذیرشی است که منجر به کار بد می شود. <sup>۱</sup>	متضاد: عنف ویژگی روان شناختی: نرم خویی، اطاعت پذیری موضوع: قول و فعل پیامد: فعل الجمیل

جدول ۲: ویژگی‌های تعریف‌های اصطلاحی

## جمع‌بندی

تعریف این گروه از رفق، چند محور دارد: اول. ویژگی و حالت روانی رفق با تعبیرهایی همچون لین الجانب و حسن الانقیاد بیان شده است؛ دوم. تمام تعاریف اصطلاحی در بیان متضاد رفق به واژه عنف اشاره نموده‌اند و حال آن که در تعاریف لغوی علاوه بر واژه عنف، خرق نیز آمده است. این نیز به این دلیل است که هیچ یک از تعاریف اصطلاحی رفق را به حسن انجام عمل تعریف ننموده‌اند؛ سوم. موضوع رفق همه اقوال و افعال در جمیع احوال را شامل می‌شود؛ چهارم. درباره نتیجه رفق برخی به فعل جمیل اشاره کرده‌اند و برخی نیز ترک خشونت و درشتی را به عنوان پیامد رفق بیان کرده‌اند؛ در حالی که برخی دیگر به آسان‌گیری و تأنی اشاره نموده‌اند؛ پنجم. به عقیده برخی حالت رفق نتیجه صفت حلم و به عقیده برخی دیگر، نتیجه حسن خلق است.

## ج) بررسی و مقایسه دو دیدگاه

زمان آن فرا رسیده که دو مرحله قبل را با یکدیگر مقایسه نماییم تا به جمع‌بندی جامع‌تر برسیم. گرچه به صورت مجزا هر کدام از تعاریف‌های لغت‌شناسانه و اصطلاح‌شناسانه نیز بررسی شد، اما کافی نیست؛ زیرا:

۱) تعریف این دو گروه معمولاً تفاوت‌ها و البته شباهت‌هایی دارد که نمی‌توان به سادگی از آن گذشت؛

۲) هدف نهایی به دست آوردن معنای آن موضوع در فرهنگ دین است، نه لغت و اصطلاح. از این رو، باید به جمع‌بندی کلی‌تر از دیدگاه این دو برسیم تا از این رهگذر زمینه برای بررسی‌های بعدی فراهم آید.

دو تعریف فوق از مفاهیم و نکات مشترک زیادی برخوردارند؛ گرچه در برخی موارد نیز هر کدام نکات خاص خود را دارند. در ویژگی روانی و موضوع آن تقریباً مشترک‌اند. درباره ثمره نیز دو تعریف در تسهیل و حسن انجام عمل مشترک بودند؛ اما ثمره‌های دیگر: مقاربت و همراهی، لطافة الفعل و قصد در تعریف لغت‌شناسان و تأنی و ترک خشونت در تعریف اندیشمندان به طور مجزا وجود داشت که البته تضادی با یکدیگر ندارند. درباره متضاد رفق لغت‌شناسان عنف و خرق را اشاره کرده‌اند و حال آن که اندیشمندان اسلامی فقط به عنف اشاره نموده‌اند.

این که رفق را به عنوان یک سازه روان‌شناختی ثمره چه چیزی بدانیم، سؤال است که

پاسخ آن را به دو گونه متفاوت اندیشمندان اسلامی داده‌اند. برخی از آنان رفق را ثمره حسن خلق و برخی دیگر ثمره حلم دانسته‌اند که شاید بتوان گفت حلم از مصادیق حسن خلق است.<sup>۱</sup>

ردیف	ویژگی رفق	دیدگاه لغت‌شناسان	دیدگاه اندیشمندان
۱	ویژگی روانی	لین الجانب موافقت	لین الجانب حسن الانقیاد
۲	موضوع	امور	همه اقوال و افعال در جمیع احوال
۳	ثمره و نتیجه	حسن انجام عمل تسهیل مقاربت و همراهی لطفه الفعل قصد	فعل جمیل تسهیل تأنی ترک خشونت
۴	جنس	- -	حسن خلق حلم
۵	متضاد	عنف و خرق	عنف

جدول ۳: مقایسه دیدگاه لغت‌شناسان و اندیشمندان در رفق

## ۲-۲. یافته دوم. ویژگی‌های مفهوم دینی رفق

یافته دوم به بررسی تعریف دین از آن موضوع اختصاص دارد. دین برای هر موضوعی، تعریف مشخصی دارد که ممکن است با تعریف واژه مطابق یا نامطابق باشد، از این رو، باید تعریف دین را بررسی کرد که از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل مفهوم‌شناسی است. مجموع روایات با گرایش مفهوم‌شناسی مطالعه شدند و مواد لازم برای شناخت مفهوم به دست آمد. شناخت دیدگاه لغت‌شناسان و علمای اخلاق، ما را به مفهوم رفق نزدیک می‌کند؛ اما نمی‌تواند واقعیت آن را به دقت تبیین کند. پس مناسب‌ترین راه، مطالعه دقیق ادبیات دینی است، هر چند در تبیین و توضیح آن می‌توان از نظر لغت‌شناسان و دانشمندان

۱. «چیستی حسن خلق و چگونگی تأثیر آن بر روابط اجتماعی»، ص ۵۷.

اخلاق نیز بهره برد.

متون مؤثر در مفهوم شناسی و ویژگی های استخراج شده از آن ها بدین قرارند:  
بخشی از متون به مؤلفه آسان گیری و تسهیل در رفق اشاره نموده اند. امام علی علیه السلام در حدیثی می فرمایند که رفق، سختی ها را آسان می کند و اسباب را فراهم می سازد:

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: الرَّفْقُ يُبَيِّسُ الصَّعَابَ وَيُسَهِّلُ الْأَسْبَابَ.<sup>۱</sup>

در جایی امام صادق علیه السلام به در مقبوله عمر بن حنظله درباره عدم تحمل و آسان گیری به شیعیان یادآوری می کند و می فرماید:

يَا عُمَرُ! لَا تَحْمِلُوا عَلَيَّ شَيْعَتَنَا وَارْفُقُوا بِهِمْ فَإِنَّ النَّاسَ لَا يَحْتَمِلُونَ مَا تَحْمِلُونَ.<sup>۲</sup>

در تفسیر این روایت آمده است که به همه آنچه که در دین آمده به عوام منتقل کردن کاری بس خطاست؛ بلکه باید به جای تحمیل، تسهیل کرد تا به آرامی آن را به ظرفیت خود رساند. همچنین امام باقر علیه السلام درباره کسی که به صفت رفق به او اعطا شده، می فرماید:

مَنْ أُعْطِيَ الْخُلُقَ وَالرَّفْقَ فَقَدْ أُعْطِيَ الْخَيْرَ وَالرَّاحَةَ وَحُسْنَ حَالِهِ فِي دُنْيَاهُ وَآخِرَتِهِ وَمَنْ حَرَّمَ الْخُلُقَ وَالرَّفْقَ كَانَ ذَلِكَ سَبِيلًا إِلَى كُلِّ شَرٍّ وَبَلِيَّةٍ إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ.<sup>۳</sup>

خبر دیگری را کلینی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که در آن امام خداوند را رفیق می داند و مصادیق رفق الهی را برمی شمرد:

..... وَمِنْ رِفْقِهِ بِهِمْ أَنَّهُ يَدْعُهُمْ عَلَى الْأَمْرِ يُرِيدُ إِزَالَتَهُمْ عَنْهُ رِفْقًا بِهِمْ لِكَيْلَا يُلْقَى عَلَيْهِمْ عُرَى الْإِيمَانِ وَمُتَأَقَلَّتْهُ جُمْلَةً وَاحِدَةً، فَيَضَعُوهَا، فَإِذَا أَرَادَ ذَلِكَ، نَسَخَ الْأَمْرَ بِالْآخِرِ، فَصَارَ مَنْسُوحًا.<sup>۴</sup>  
مصادیق این روایت به تسهیل و آسان گیری خداوند بر بندگان اشاره دارد، همان طور که مجلسی<sup>۵</sup> نیز در معنای رفق در این روایت به آن اشاره نموده است.

بخشی از متون به مؤلفه لین و نرم خوایی رفق اشاره نموده اند. پیامبر اسلام، حضرت

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۹۵.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۵۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۸۶.

۴. اصول الکافی، ج ۲، ص ۱۲۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۵۵. و از جمله رفق او با ایشان، آن است که ایشان را وامی گذارد بر امری که اراده دارد که ایشان را از آن دور گرداند، از روی نرمی کردن با ایشان، تا آن که دسته های ایمان و سنگینی آن را یکبار برایشان نیندازد تا ضعیف و ناتوان شوند. پس هرگاه این را اراده فرماید، آن امر را به امری دیگر نسخ و برطرف سازد. پس این امر منسوخ شود و تکلیف در باب آن باقی نماند.

۵. بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۵۵.

محمد ﷺ لاین را وزیر رفق می‌دانند و می‌فرماید:

نِعْمَ وَزِيرُ الْإِيمَانِ الْعِلْمُ وَنِعْمَ وَزِيرُ الْعِلْمِ الْحِلْمُ وَنِعْمَ وَزِيرُ الْحِلْمِ الرَّفْقُ وَنِعْمَ وَزِيرُ الرَّفْقِ اللَّيْنُ.<sup>۱</sup>

همان طور که امام صادق علیه السلام لاین را زینت رفق دانسته‌اند:

من زين الايمان الفقه، ومن زين الفقه الحلم، ومن زين الحلم الرفق، ومن زين الرفق اللين، ومن زين اللين السهولة.<sup>۲</sup>

در روایتی از امام صادق علیه السلام در باره حدّ حسن خلق سؤال شد و حضرت در بیان مصداق‌های آن به سه چیز تصریح فرمود:

تُليُّ جانبك وَ تُطيبُ كَلامك وَ تُلقي أَخاك بِبِشْرٍ حَسَنٍ.<sup>۳</sup>

نخستین مصداق این حدیث، «تلین جانبک» است. «جانب» به معنای پهلو و کنار است که می‌تواند بیان‌گر نرم‌خویی و انعطاف‌پذیری در روابط اجتماعی باشد<sup>۴</sup> و از آنجا که لاین و نرمی طبق روایات وزیر و مایه زینت رفق است، «تلین جانبک» همان رفق است که در روایت به آن اشاره شده است. در روایت دیگری از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در برخورد با مرکب، چنین آمده است که:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرَّفْقَ وَيُعِينُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَكِبْتُمُ الدَّوَابَّ الْعُجْفَ فَأَنْزِلُوهَا مَنَازِلَهَا، فَإِنْ كَانَتْ الْأَرْضُ مُجْدِبَةً فَأَنْجُوا عَنْهَا، وَإِنْ كَانَتْ مُحْضَبَةً فَأَنْزِلُوهَا أَمَنَاتُهَا؛<sup>۵</sup>

خداوند رفق را دوست دارد و بر انجام آن کمک می‌کند. پس، هرگاه چارپایان لاغر را سوار شدید، آن‌ها را در منزل‌هایشان فرود آورید. اگر زمین خشک و بی‌گیاه بود با شتاب از آن گذرید و اگر سرسبز و پر علف بود، آن‌ها را در آن جا استراحت دهید.

این روایت، گویای دو نکته است: اول، آن که رفق در این جا به معنای نرمی و لاین است و دوم، آن که رفق، اقتضا دارد که نیازهای طرف مقابل، به اقتضای وی برآورده شود.

در برخی از روایات به مؤلفه اعتدال و میانه‌روی رفق اشاره گردیده است. از جمله روایاتی که به بیان مصادیقی از رفق پرداخته‌اند، روایاتی است که به رفق در امر معاش و روزی اشاره

۱. قرب الإسناد، ص ۴۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۵۳.

۲. همان، ج ۷۵، ص ۲۵۱.

۳. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ج ۴، ص ۴۱۲، ح ۵۸۹۷.

۴. «چیستی حسن خلق و چگونگی تأثیر آن بر روابط اجتماعی»، ص ۵۷.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۱۲۰.

دارد. از جمله این روایت امام صادق علیه السلام که فرمود:

أَيُّهَا أَهْلُ بَيْتِ أَهْلِي أَعْطُوا حَظَّهُمْ مِنَ الرَّفْقِ فَقَدْ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ فِي الرِّزْقِ، وَالرَّفْقُ فِي تَقْدِيرِ  
 الْمَعِيشَةِ خَيْرٌ مِنَ السَّعَةِ فِي الْمَالِ، وَالرَّفْقُ لَا يَعْجِزُ عَنْهُ شَيْءٌ وَالتَّبَذِيرُ لَا يَبْقَى مَعَهُ شَيْءٌ إِنْ اللَّهُ  
 عَزَّ وَجَلَّ رَفِيقٌ يَحِبُّ الرَّفْقَ.<sup>۱</sup>

بنابراین رفق داشتن در برنامه ریزی مالی، بهتر است از مال زیاد داشتن. علامه مجلسی در  
 تبیین این مصداق از رفق، معنای اعتدال بین اسراف و تقتیر را اتخاذ کرده است.<sup>۲</sup>  
 در عبادت نیز، برخی تعبیر «رفق به نفس» را به معنای میانه روی کردن در عبادت به کار  
 برده اند. امام علی علیه السلام در نامه خود به حارث همدانی می فرماید:

خَادِعُ نَفْسِكَ فِي الْعِبَادَةِ وَارْتُقَى بِهَا وَلَا تَقْهَرَهَا ...؛

خودت را در عبادت فریب بده و با خودت رفق بورز و شدت نداشته باش.

علامه مجلسی می گوید:

یعنی آن که فوق طاقت خود عبادت نکن.<sup>۳</sup>

برخی متون به بیان متضاد رفق پرداخته اند و همان گونه که اهل لغت متضاد رفق را عنف  
 و خرق دانسته اند، در متون روایی نیز این موضوع دیده می شود. در روایات، تقابل رفق و عنف  
 دیده می شود. امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ وَيُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنْفِ؛<sup>۴</sup>

خداوند اهل رفق است و رفق را دوست دارد. و آنچه در ازای رفق عطا می کند، در  
 ازای عنف عطا نمی کند.

در جای دیگر چنین تعبیر شده است که «... وَ عَدُوُّ الرَّفْقِ الْعُنْفُ ..»؛<sup>۵</sup> اما در حدیث جنود  
 عقل و جهل، ضمن جنود عقل آمده است:

وَالرَّفْقُ وَضِدُّهُ الْحَرْقُ.<sup>۶</sup>

۱. همان جا.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۶۱.

۳. همان، ج ۸۴، ص ۳.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۱۱۹.

۵. بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۲۸۹.

۶. همان، ج ۱، ص ۱۰۹.

همچنین امیرالمؤمنین به امام حسن علیه السلام چنین می‌فرماید:

يَا بَنِيَّ! رَأْسُ الْعِلْمِ الرَّفْقُ وَأَفْتُهُ الْحُرْقُ.<sup>۱</sup>

در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله این دو مفهوم در مقابل هم قرار داده شده است؛ آنجا که می‌فرماید:

الرَّفْقُ يُنُّ وَالْحُرْقُ سُومٌ.<sup>۲</sup>

برخی دیگر از متون به زیبا و زینت بودن رفق توجه نموده‌اند. رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِنَّ الرَّفْقَ لَمْ يَوْضِعْ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَلَا نَزَعَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَأْنَهُ.

در جایی دیگر امام صادق علیه السلام از حضرت محمد صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که اگر رفق دیدنی خلق می‌شد، زیباترین و نیکوترین خلق بود:

لَوْ كَانَ الرَّفْقُ خَلْقًا بَرِيًّا مَا كَانَ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئًا أَحْسَنَ مِنْهُ.<sup>۳</sup>

برخی دیگر از متون رفق را کرم خوانده‌اند: فی قول النبی صلی الله علیه وآله: الرفق کرم، والحلم زین، والصبر خیر مرکب.<sup>۴</sup> امام علی علیه السلام ملایمت و مهربانی با پیروان را از کرامت طبع می‌داند:

الرَّفْقُ بِالْأَتْبَاعِ مِنْ كَرَمِ الطَّبَاعِ.<sup>۵</sup>

بنابراین، کسی که متخلق به رفق است کریم بوده و از کرامت نفس برخوردار است.<sup>۶</sup> برخی از متون نیز به سازه صلاح و مصلحت در رفق اشاره نموده‌اند؛ به گونه‌ای که گاهی خرق و شدت، رفق است؛ همان طور که امیرالمؤمنین در نهج البلاغه به این موضوع اشاره نموده‌اند:

إِذَا كَانَ الرَّفْقُ حُرْقًا كَانَ الْحُرْقُ رِفْقًا.<sup>۷</sup>

نیز امام خمینی رحمته الله علیه در بیان این روایت می‌نویسد:

۱. همان، ج ۷۴، ص ۲۳۸.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۱۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۶۳؛ اصول الکافی، ج ۲، ص ۱۲۰. با همین عبارت درباره حسن خلق (بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۹۴) نیز روایتی آمده است که با توجه به تقابل آن با خرق به نظری آید که رفق صحیح باشد و یا از باب استعمال عام (حسن خلق) و اراده خاص (رفق) باشد. در هر صورت این روایت شامل رفق می‌شود.

۴. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۷.

۵. غرر الحکم و درر الکلم، ح ۱۴۹۷.

۶. الرفق فی المنظور الاسلامی، ج ۱، ص ۳۲.

۷. شرح نهج البلاغه، ص ۴۰۲، نامه ۳۱.

حتی تشریح عین رفق است؛ چنان که تأدیب طاغیان و جعل حدود و تعزیرات، کمال رفق و صلاح است؛ چه که ترک آن، خرق و فساد است، بلکه نزد عالمان به غایات و مبادی، تعذیب أُخروی رفق است.<sup>۱</sup>

برخی از متون نیز به ثمره و کارکرد رفق اشاره نموده‌اند. در متن فرمایش امام صادق علیه السلام این است که کسی که در امور زندگی خود رفق را به کار گیرد، به مطلوب و هدف دلخواه خود می‌رسد:

مَنْ كَانَ رَفِيقًا فِي امْرِهِ نَالَ مَا يُرِيدُ مِنَ النَّاسِ.<sup>۲</sup>

همان طور که این روایت به نوعی به حسن انجام عمل نیز اشاره دارد؛ به این صورت که امر اینجا کنایه از عمل است و رفق در عمل، همان نیکوانجام رساندن عمل است که آدمی را به آنچه به دنبال آن است، می‌رساند.

در خبری دیگر نیز از امام صادق علیه السلام آمده است که رفق مبارک است:

الرَّفِيقُ يُنِّنُ وَالْحَزَنُ شُوْمٌ.<sup>۳</sup>

شاید اشاره به بعضی از امور باشد؛ مثلاً در انجام امور دنیوی آن طور که با رفق و مدارا ممکن است انسان تصرف در قلوب مردم کند و آن‌ها را خاضع و رام کند، ممکن نیست با شدت و عنف، موفق به امری از امور شود.<sup>۴</sup> به این موضوع مجلسی نیز اشاره می‌کند. برخی از متون به موضوع رفق پرداخته‌اند که تعداد آن‌ها کم نیست. در متن فرمایش امام صادق علیه السلام این است که کسی که در امور اجتماعی زندگی خود رفق را به کار گیرد، به مطلوب می‌رسد:

مَنْ كَانَ رَفِيقًا فِي امْرِهِ نَالَ مَا يُرِيدُ مِنَ النَّاسِ.<sup>۵</sup>

در روایتی از امام کاظم علیه السلام ماجرای مرد کافری را نقل می‌کند که با مؤمنی رفق می‌ورزد:

كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ وَكَانَ لَهُ جَارٌ كَافِرٌ فَكَانَ يَرْفُقُ بِالْمُؤْمِنِ وَيُولِيهِ الْمَعْرُوفَ فِي الدُّنْيَا...<sup>۶</sup>

۱. الفتوحات المکیة، ج ۲، ص ۱۶۱، باب ۸۷؛ الاسفار الاربعة، ج ۹، ص ۳۴۶-۳۴۵، به نقل از شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۲۰.
۲. أصول الکافی، ج ۲، ص ۹۸.
۳. همان، ج ۲، ص ۹۷.
۴. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۲۱.
۵. أصول الکافی، ج ۲، ص ۹۸.
۶. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ج ۱، ص ۱۶۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۰۵؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۶۳.



در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام به نجاشی حاکم اهواز - که از وی برای حل مشکلی کمک خواسته بود - چنین توصیه می‌کند:

وَأَعْلَمُ أَنَّ خَلَاصَكُمْ مَا بَكَ مِنْ حَقِّنِ الدِّمَاءِ وَكَفِّ الْأَذَى عَنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَالرِّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ ...<sup>۱</sup>

در روایتی از رسول الله صلی الله علیه و آله نیز موضوع رفق را بندگان الهی می‌داند و می‌فرماید:

مَا مِنْ عَمَلٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَإِلَى رَسُولِهِ مِنَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَالرِّفْقِ بِعِبَادِهِ ...<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام نیز در نامه خود به حارث همدانی رفق با نفس خود را توصیه می‌کند و می‌فرماید:

خَادِعٌ نَفْسَكَ فِي الْعِبَادَةِ وَارْتُقَى بِهَا وَلَا تَقْهَرَهَا.<sup>۳</sup>

روایات به خوبی نشان‌گر آن است که موضوع رفق تنها امر اجتماعی نیست، بلکه امور فردی را نیز شامل می‌شود.

تا اینجا چند دسته از متون جمع‌آوری گردیدند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که متون دینی بر نکاتی که در پی خواهد آمد، تأکید دارند. لین و نرم‌خویی، تسهیل و آسان‌گیری، صلاح و مصلحت، اعتدال و میانه‌روی، کرامت نفس فرد رفق‌کننده، امر فردی و اجتماعی به عنوان موضوع رفق.

تا اینجا شواهد نشان می‌دهد که لین و نرم‌خویی کارکرد تسهیل‌گری دارد و سختی‌ها را در امور آسان می‌نماید. بُعد دیگر، صلاح و مصلحت در مفهوم دینی رفق است که محوریت دارد و به نظر می‌رسد که برخی اوقات خرق کارکرد تسهیل‌گری و آسان کردن امور را به عهده دارد و از آن جهت رفق در برخی موارد همان به کارگیری خرق است که به نظر با مفهوم صلاح و مصلحت بتوان از آن یاد کرد.

بُعد دیگر، کرامت نفس فردی است که رفق می‌کند. رفق در شخصی که کریم است، بروز می‌کند؛ زیرا برای خود ارزش قایل است و هرگز حاضر نیست تا با عنف و خرق ارزش خود را به زیر بکشد و عزت نفس خود را به دست خود پایمال کند. همچنین دوست ندارد که بر کسی چیزی را تحمیل کند و وجهه خود را در پیش چشم دیگران حفظ می‌کند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۰۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۲۴.

۳. همان، ج ۸۴، ص ۳.

بعد دیگر که در متون به آن تأکید شده است، موضوع رفق است. رفق، نه فقط در امور و روابط اجتماعی، بلکه در امور و کارهای فردی نیز توصیه شده است؛ حتی درباره خود نیز تعبیر به «رفق به نفس» وارد شده است.

### ۲-۳. یافته سوم. مؤلفه‌های رفق در منابع دینی

تعریف اسلامی ممکن است با تعریف لغوی متفاوت باشد؛ اما با آن متضاد نیست و بر پایه همان مفهوم لغوی شکل می‌گیرد. از این رو، ممکن است مطلبی در لغت آمده، اما در متون دینی مطرح نشده باشد که اشکالی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا متون دینی بنا ندارند همانند لغت به واژه‌شناسی بپردازند، بلکه آن‌ها مفهوم خود را دنبال می‌کنند که شواهد آن یافت می‌شود و در بقیه موارد تابع نظر لغت هستند. فقط در مواردی که متون دینی سخن متفاوتی بگویند، نظر لغت را نمی‌پذیریم. برای آن که تعریف را به دست آوریم، نخست به مقایسه دو مرحله قبلی می‌پردازیم و سپس مؤلفه‌های اساسی را در ماهیت رفق شناسایی، استخراج و تفسیر نماییم.

در تعریف لغت دانان چند موضوع مهم وجود داشت: لین و نرمی، تسهیل و آسان‌گیری، همراهی و موافقت، حسن انجام عمل و لطافت فعل، ضد عنف و خرق. لین و نرمی حالت روانی رفق است. تسهیل و آسان‌گیری، کارکرد آن است و ثمره آن حسن انجام عمل است. بنابراین، از دیدگاه لغت دانان رفق، یعنی نرمی و لطافت در امور که سبب تسهیل و آسان‌گیری می‌گردد و حسن انجام عمل را در پی دارد.

در تعریف اندیشمندان اسلامی نیز چند محور وجود داشت: اول، ویژگی و حالت روانی رفق با تعبیرهایی مانند: لین الجانب و حسن الانقیاد بیان شده است؛ دوم، آن که تمام تعاریف اصطلاحی در بیان متضاد رفق به واژه عنف اشاره نموده‌اند و حال، آن که در تعاریف لغوی علاوه بر واژه عنف، خرق نیز آمده است؛ محور سوم، درباره موضوع رفق است و همه اقوال و افعال در جمیع احوال را شامل می‌شود؛ چهارم، درباره نتیجه رفق برخی به فعل جمیل اشاره کرده‌اند و برخی نیز ترک خشونت و درشتی را به عنوان پیامد رفق بیان کرده‌اند؛ در حالی که برخی دیگر به آسان‌گیری و تأنی اشاره نموده‌اند؛ محور آخر، آن که به عقیده برخی حالت رفق نتیجه صفت حلم و به عقیده برخی دیگر، نتیجه حسن خلق است. بنابراین، از نظر این گروه، رفق صفتی ضد عنف است که آدمی با وجود آن در اقوال و افعال به نرمی و انقیاد روی می‌آورد و باعث آسان‌گیری، تأنی و ترک خشونت و درشتی می‌گردد و

حاصل آن انجام فعل به شکلی نیکو خواهد بود.

در تعریف اسلامی نیز چند محور وجود داشت. «لین و نرم‌خویی» یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در رفق و نیز ویژگی روانی به حساب می‌آید که راه را برای کارکرد «تسهیل و آسان‌گیری» و «رسیدن به مطلوب» هموار می‌سازد. دیگری «کرامت نفس» رفق‌کننده است که لین از این چشمه نشأت می‌گیرد. همچنین عنصر «صلاح و مصلحت» در رفق در تعریف دینی خودنمایی می‌کند و محور آخر، آن که موضوع رفق امور اجتماعی و فردی است. یادآوری این نکته ضروری است که هر چند در تعریف‌های سه‌گانه فرق‌هایی دیده می‌شود، اما به هیچ وجه متضاد نیستند و می‌توان کنار یکدیگر به جمع‌بندی بهتری رسید.

ردیف	ویژگی رفق	دیدگاه لغت‌شناسان	دیدگاه اندیشمندان	دیدگاه متون دینی
۱	ویژگی روانی	لین الجانب موافقت	لین الجانب حسن الانقیاد	لین الجانب
۲	موضوع	امور	همه اقوال و افعال در جمیع احوال	امور فردی و اجتماعی
۳	کارکرد	حسن انجام عمل تسهیل قصد مقاربت و همراهی لطافه الفعل	فعل جمیل تسهیل - تأنی ترک خشونت	- تسهیل قصد رسیدن به مطلوب (نال ما بیرید) اصلاح و صلاح
۴	جنس	-	حسن خلق حلم	حسن خلق -
۵	متضاد	عنف و خرق	عنف	عنف و خرق

جدول شماره ۴: جمع‌بندی مقایسه‌ای تعریف‌های سه‌گانه

با تحلیل و بررسی همه جانبه به نظر می‌رسد که رفق ترکیبی از کرامت، انعطاف‌پذیری و

آسان‌گیری در امور است. سایر تعبیرها زیر مجموعه این سه هستند که در جدول ذیل جانمایی آن‌ها به وضوح قابل پی‌گیری است.

ردیف	مؤلفه‌ها	کلید واژه‌ها
۱	انعطاف‌پذیری	نرمی: لین الجانب حسن الانقیاد صلاح و مصلحت: (اذا كَانَ الرَّفْقُ خُرْقًا) قصد تأنی
۲	کرامت	کرم
۳	آسان‌گیری امور	تسهیل ترک خشونت رسیدن به مطلوب (نال ما یرید من الناس) مقاربت همراهی الاخذ بالاسهل

جدول شماره ۵: مؤلفه‌های تعریف رفق

کوتاه سخن آن که رفق‌کننده، شخصیتی کریمانه و حالتی منعطف دارد. از این رو، در امور خود (رابطه با دیگران - رابطه با خود) دست به آسان‌گیری (نه لزوماً نرم) برای رسیدن به مطلوب می‌زند که نتیجه عملی آن تأنی (عجله نکردن)، ترک خشونت و حسن انجام عمل است.

بنابراین، رفق‌حالتی برخاسته از ترکیب کرامت و انعطاف‌پذیری در امور خود (رابطه با دیگران - رابطه با خود) به همراه آسان‌گیری برای رسیدن به مطلوب است و نتیجه عملی آن تأنی (عجله نکردن)، ترک خشونت و حسن انجام عمل را در پی دارد.

۱. اشاره به عنصر صلاح و مصلحت.

## نتیجه‌گیری

مفهوم‌شناسی دقیق مبتنی بر دین در واژه رفق، آغاز راهی است برای این که نهادینه‌سازی این صفت به شیوه علمی در قالب سنجش و مداخله‌های آموزشی و درمانی به سرانجام برسد. با بررسی، تحلیل و مقایسه واژه رفق در منابع گوناگون، می‌توان در قالب محورهای ذیل چنین نتیجه گرفت:

محور اول. لغت‌دانان رفق را نرمی و لطافت در امور می‌دانند که سبب تسهیل و آسان‌گیری می‌گردد و حسن انجام عمل را در پی دارد. این تعریف با پژوهش عمادی<sup>۱</sup> سازگاری زیادی دارد. در این تعریف به حالت‌ها و ویژگی‌های روان‌شناختی، آثار و کارکردهای رفق پرداخته شده است. این در حالی است که در تعریف اندیشمندان اسلامی جنبه کاربردی و عملیاتی رفق ملموس‌تر است. نشان از این موضوع در تعبیرهایی همچون حسن الانقیاد، فعل جمیل، ترک خشونت و درشتی، آسان‌گیری و تأتی به روشنی پیدا است.

محور دوم. لغت‌شناسان عنف و خرق را به عنوان متضاد رفق اشاره کرده‌اند و اندیشمندان اسلامی تنها به عنف اشاره نموده‌اند. در روایات نیز دو مفهوم عنف و خرق آمده است. طبق بررسی به عمل آمده، لغت‌شناسانی که ضدّ رفق را عنف قرار داده‌اند، همگی رفق را به لاین الجانب تعریف نموده‌اند و حال آن که لغت‌شناسانی مانند ابن درید و طریحی که خرق را به عنوان ضد رفق بیان نموده‌اند، همگی حسن انجام عمل و لطافت الفعل را در تعریف رفق اخذ نموده‌اند. این موضوع، نشان می‌دهد که ضد رفق، عنف است و حسن انجام عمل به عنوان پیامد نرم‌خویی و لاین است و مقابل آن خرق قرار می‌گیرد. در متون دینی نیز این موضوع دیده می‌شود. زمانی که امام محمد باقر علیه السلام درباره خداوند می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ وَيُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنْفِ؛<sup>۲</sup>

خداوند اهل رفق است و رفق را دوست دارد. و آنچه در ازای رفق عطا می‌کند در ازای عنف عطا نمی‌کند.

در این روایت و سایر روایات رفق هر زمان که رفق در مقابل عنف قرار می‌گیرد، سخن از دوست نداشتن خدا به میان می‌آید و یا آن که از آن به عنوان دشمن رفق یاد می‌شود که از این موضوع می‌توان به ضدیت با عنف پی برد و حال، آن که در بسیاری از مواردی که رفق در کنار خرق قرار می‌گیرد، با عنوان آفت و شوم یاد می‌گردد. بنابراین، طبق شواهد در منابع

۱. «رفق در روابط همسران از منظر قرآن و حدیث و طراحی مقیاس آن»، ص ۴۰-۴۵.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۱۹.

دینی، لغت و اندیشمندان اسلامی مفهوم متقابل رفق، عنف است؛ همان طور که مصطفوی نیز رفق را متضاد عنف دانسته است.<sup>۱</sup>



شکل ۱: مفهوم متضاد رفق

محور سوم. درباره مفهوم بالادستی رفق باید گفت که این که رفق را به عنوان یک سازه روان‌شناختی ثمره چه چیزی بدانیم، سؤالی است که پاسخ آن را به دو گونه متفاوت اندیشمندان اسلامی داده‌اند. برخی از آنان رفق را ثمره حسن خلق و برخی دیگر ثمره حلم دانسته‌اند که شاید بتوان گفت حلم از مصادیق حسن خلق است.<sup>۲</sup> البته با بررسی روایاتی که در باب رفق، حسن خلق و حلم وجود دارد، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که مفهوم بالادستی رفق حسن خلق است؛<sup>۳</sup> همان طور که برخی از پژوهشگران نیز در بررسی‌های خود این یافته را تأیید می‌کنند.<sup>۴</sup>



شکل ۲: رابطه رفق و حسن خلق

۱. التحقیق، ج ۴، ص ۱۸۵.

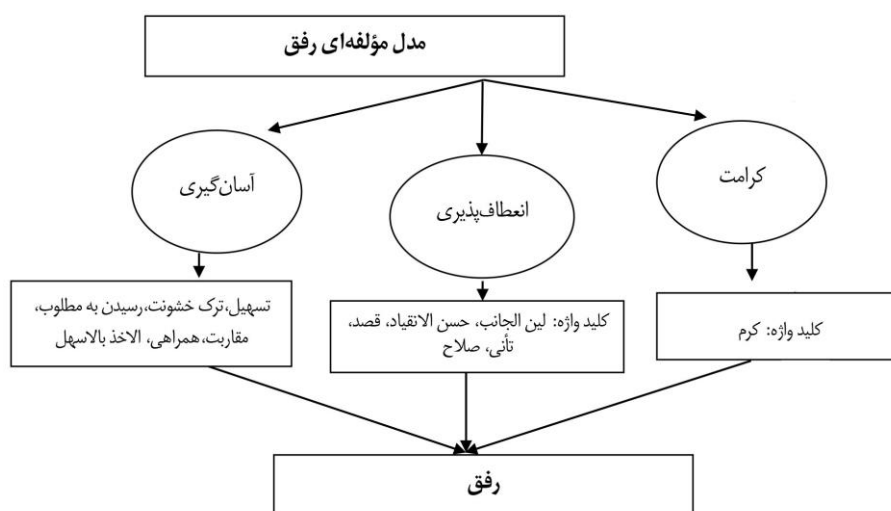
۲. «چیستی حسن خلق و چگونگی تأثیر آن بر روابط اجتماعی»، ص ۵۶.

۳. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ج ۴، ص ۴۱۲.

۴. «چیستی حسن خلق و چگونگی تأثیر آن بر روابط اجتماعی»، ص ۷۵؛ «رفق در روابط همسران از منظر قرآن و حدیث و طراحی مقیاس آن»، ص ۵۹.

محور چهارم. این محور، مفهوم دینی رفق را دنبال می‌کند. تا اینجا ده دسته از متون جمع‌آوری گردیدند. بررسی‌ها نشان داد که متون دینی برواژه‌های لین و نرم‌خویی، تسهیل و آسان‌گیری، صلاح و مصلحت، اعتدال و میانه‌روی، کرامت نفس فرد رفق‌کننده، امر فردی و اجتماعی به عنوان موضوع رفق تأکید دارد. در این میان بعد صلاح و مصلحت و بعد کرامت نفس و بعد موضوع رفق، یعنی امر فردی (رفق به نفس) و اجتماعی (در ارتباط با دیگران) متفاوت با عناصر و تعریف‌های لغت‌شناسان و اندیشمندان اسلامی است.

محور پنجم. این محور به تعریف یکپارچه با در نظر گرفتن همه نکات و کلیدواژه‌های لغت‌دانان، اندیشمندان و متون اسلامی در زیر چتر چند مؤلفه بازمی‌گردد. به نظر می‌رسد که رفق ترکیبی از کرامت، انعطاف‌پذیری و آسان‌گیری در امور است. سایر تعبیرها و واژگان زیر مجموعه این سه هستند. این یافته با پژوهش شجاعی<sup>۱</sup> منطبق است. وی یکی از اصلی‌ترین واژه‌های مبین رفق را انعطاف می‌داند. همچنین با پژوهش آزادی و همکاران<sup>۲</sup> که در آن نرم‌خویی را یکی از مؤلفه‌های کرامت می‌داند، تأیید می‌گردد.



شکل ۳: مفاهیم و مؤلفه‌های تشکیل دهنده رفق

۱. «ساختار شخصیت از دیدگاه اسلام در چارچوب رویکرد صفت»، ص ۲۱۷.

۲. «کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در بررسی مفهوم کرامت بر پایه منابع اسلامی»، ص ۵۰۲.

لذا به علاقه‌مندان این حوزه توصیه می‌گردد با توجه بررسی جامع رفق در منابع لغوی، اندیشمندان اسلامی و متون دینی و نیز تحلیل چند لایه و عمیق آن، از این تعریف در فعالیت‌های پژوهشی، آموزشی و درمانی رفق بهره‌گیرند.

### کتابنامه

- احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، ترجمه: محمد خوارزمی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ ش.
- اساس البلاغه، محمود بن عمر زمخشری، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
- اصول الکافی، محمد بن یعقوب کلینی رازی، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، قم: نشر اسوه، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- تاج العروس من جواهر القاموس، سید محمد مرتضی حسینی زبیدی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵ ش.
- تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، ابوعلی ابن مسکویه رازی، ترجمه: مهدی نجفی، تهران: نورالثقلین، ۱۳۸۳ ش.
- تهذیب اللغة، محمد بن احمد ازهری، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- جمهرة اللغة، محمد بن حسن ابن درید، بیروت: دارالملايين، ۱۴۱۳ ق.
- الرفق فی المنظور الاسلامی، ابوزلفی خزاعی، قم: آل‌البيت لاحیاء التراث، ۱۴۲۵ ق.
- روان‌شناسی بالینی، حمید پور شریفی، تهران: نشر سنجش، ۱۳۸۶ ش.
- سنجش خانواده، رادنی نرس، ترجمه: حسن پاشا شریفی، باقر ثنائی، تهران: نشر سخن، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
- شرح اصول الکافی، محمد صالح مازندرانی، تصحیح: علی عاشور، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.



شرح حدیث جنود عقل و جهل، روح الله خمینی، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۵ ش.

الصحاح، اسماعیل بن حماد جوهری، بیروت: دارالملايين، بی تا.

الفروق فی اللغة، حسن بن عبدالله عسکری، بیروت: دارالآفاق الجديدة، ۱۴۰۰ ق.

کتاب العين، خلیل بن احمد فراهیدی، قم: هجرت، چاپ دوم، ۱۴۲۹ ق.

لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور، بیروت: دارصادر، چاپ سوم، بی تا.

مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، محمد تقی ایمان، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸ ش.

مجمع البحرين، فخرالدین بن محمد طریحی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.

محجبه البيضاء فی تهذیب الاحیاء، مولی محسن بن شاه مرتضی فیض کاشانی، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۳۰ ق.

المحکم و المحيط الاعظم، علی بن اسماعیل ابن سیده، تصحیح: عبدالحمید هنداوی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۱ ش.

المحیط فی اللغة، صاحب بن عباد، بیروت: عالم الکتب، بی تا.

المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، أحمد بن محمد فیومی، قم: مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۱۴ ق.

معجم مقاییس اللغة، احمد بن فارس، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، بی تا، ۱۴۲۱ ق.

المفردات فی غریب القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، قم: نشر صادق، ۱۳۸۷ ش.

من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۳۴ ق.

منطق فهم حدیث، سید محمد کاظم طباطبایی، قم: نشر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۳ ش.

موسوعة الاخلاق، عبدالقادر بن علوی، المملكة السعودية: الدرر السنية، ۱۴۳۴ ق.

نصرة النعمیم فی مکارم اخلاق الرسول الکریم، صالح ابن عبدالله ابن حمید، جده: دارالوسيلة، ۱۳۱۹ ق.

النهاية فی غریب الحدیث و الاثر، علی بن محمد بن اثیر، تحقیق: طاهر احمد زاوی، قم: دارالتفسیر، ۱۳۸۴ ق.

«بررسی رفق و مدارا و حدود آن در قرآن و حدیث»، طاهره نظام آبادی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی اراک، ۱۳۸۸ ش.

- «چیستی حسن خلق و چگونگی تأثیر آن بر روابط اجتماعی»، عباس پسندیده، مجله علوم حدیث، ش ۶۶، ۱۳۹۱ ش.
- «رفق در روابط همسران از منظر قرآن و حدیث و طراحی مقیاس آن»، عبدالله عمادی، دانشگاه قرآن و حدیث، پایان نامه ارشد، ۱۳۹۳ ش.
- «روش مفهوم‌شناسی موضوعات اخلاقی و کاربرست آن در مفهوم حیا»، عباس پسندیده، مجله اخلاق و حیانی، ش ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۶ ش.
- «ساختار شخصیت از دیدگاه اسلام در چارچوب رویکرد صفت»، محمد صادق شجاعی، پایان نامه دکترا، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ ش.
- «کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در بررسی مفهوم کرامت بر پایه منابع اسلامی»، محمود آزادی، مسعود آذربایجانی، محمد صادق شجاعی، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ۲۳، ش ۳، ۱۳۹۸ ش.
- «مدارا و نقش آن در تحکیم خانواده»، علی توحیدی نژاد، نشریه حدیث حوزه، ش ۶، ۱۳۹۲ ش.
- «مؤلفه‌های الگوی مدارا با همسراز دیدگاه اسلام»، اسماعیل ملکوتی خواه، نشریه مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۲، ۱۳۹۰ ش.

CATTELL.R (1949). The Sixteen Personality Factor Questionnaire. Champign.IL: Institute for Personality and Ability testing.

